



15 به این جهت او واسطه یک پیمان تازه است تا کسانی که از طرف خدا خوانده شده‌اند، برکات جاودانی را که خدا وعده فرموده است، دریافت کنند. این کار عملی است، زیرا مرگ او وسیله آزادی و آمرزش از خطاهایی است که مردم در زمان پیمان اول مرتکب شده بودند. 26 اگر چنان می‌شد، او می‌بایست از زمان خلقت عالم تا به امروز بارها متحمل مرگ شده باشد، ولی چنین نشد؛ زیرا او فقط یکبار و آن هم برای همیشه در زمان آخر ظاهر شد تا با مرگ خود به عنوان قربانی، گناه را از بین ببرد. 27 همان‌طور که همه باید یکبار بمیرند و بعد از آن برای دآوری در حضور خدا قرار گیرند، 28 مسیح نیز یکبار به عنوان قربانی تقدیم شد تا بار گناهان آدمیان را به دوش گیرد و بار دوم که ظاهر شود برای کفاره گناهان نخواهد آمد، بلکه برای نجات آنانی که چشم به راه او هستند، می‌آید.

مردی در یکی از سلول‌های انفرادی در یکی از زندان‌های آمریکا که مجرمان را قبل از اعدام کردن در آنجا حبس می‌کند قرار داشت. آخرین صداهایی که ادم از آنجا می‌شنود صدای تکان خوردن درهای آهنی و کلیدها و دستبندهای آهنی می‌باشد که به او وصل بودند. Poncelet شخصی بود که اتهام قتل دو نوجوان را از دادگاه دریافت کرده بود. او این کار وحشتناک را با دوست خودش در جنگلی انجام می‌دهد. روند دادگاهی او همانند ماجرای ادم و حوا سپری شد. هر دوی آنها حاضر نبودند که گناه خودشان را قبول کنند. و هر کسی مسئولیت این جرم را به دیگری نسبت می‌داد. هیچ کدام مسئولیت این جرم را نمی‌پذیرفتند. و در انتها طرف مقابل که وکیل بهتری داشت برنده شد و Poncelet می‌بایستی اعدام می‌شد. او هیچ‌زمان این گناه را به گردن نگرفت و همیشه به رای دادگاه معترض بود و از سیستم قضاوت شکایت داشت. در این میان خانم Prejean با این اقا دیدار می‌کند و برای او پیام عیسی را به ارمغان آورده بود. این خانم به او می‌گوید که عیسی انسان‌ها را از روی اعمالشان سبک و سنگین نمی‌کند بلکه او این کار را از روی برکاتش انجام می‌دهد. در ابتدا او نمی‌توانست به خدا و خودش اعتمادی داشته باشد. او درک و ندانستی از خودش نشان نمی‌داد. او زمان زیادی لازم داشت تا به گناه خودش فکری بکند و آن را باور داشته باشد. او برای کارهای بدی که انجام داده می‌توانست اکنون گریه بکند و چیزی که او بعد از دیدار با آن خانم روحانی بدست آورد این بود که من بعد از مرگم می‌توانم آن محبت خالص را بدست بیاورم. و اینگونه او این آخرین جملات را عنوان می‌کند. فیلم Poncelet und Schwester Prejean، فیلمی است درباره گناه ما انسان‌ها و نبود حس گناهکار بودن ما ادم‌ها. این به ما یک جدایی را نشان می‌دهد که نتیجه رد کردن گناه می‌باشد. و این امر آگاه نبودن به گناهکار بودن ما انسان‌ها می‌باشد که یکی از دردهای ما می‌باشد این موضوع فقط در باره حکم Poncelet نمی‌باشد. بلکه ما ادم‌ها دوست داریم که همیشه گناه خودمان را به گردن دیگری بیاندازیم. از تمام کارهایی که سیاستمداران انجام داده‌اند تا به امروز تا کودکی که از کیف مادرش چیزی برمی‌دارد محتوای این موضوع یکی می‌باشد. ما انسان‌ها نمی‌خواهیم که جوابگو گناه خودمان باشیم درحالی که این موضوع به زندگی مان ربط پیدا می‌کند. طبق گفته‌های انجیل گناه و جرم جزو وجودیت انسان می‌باشند. داستان ادم و حوا بدون دلیل در ابتدای انجیل نیامده است. و آن توضیح می‌دهد که چه بر سر ما انسان‌ها آمده است. و این منکر شدن گناه و به گردن انداختن گناه خود بر روی دیگران از زمان ادم و حوا بوده است. ولی من این را می‌دانم که ما نمی‌توانیم حس گناه را در خودمان زیاد نگه داریم. ما همانند آن زندانی با این حس گناه کار بودن می‌جنگیم ولی در انتها این امر برای ما خیلی سنگینی می‌کند. در عهد قدیم خدا راهی را برای خلاص شدن از گناهکار بودن ارائه داده بود. قوم یهود در آن زمان اجازه داشتند که گناه خودشان را در یک قربانی دادن خلاصه کنند. آنها طبق رسمی این قربانی را انجام می‌دادند تا حس بجا آوردن گناه خودشان را انجام داده باشند. این راهی بود که یهودیان بتوانند گناه خودشان را بشناسند و از آن خلاصی یابند. تفاوت این رسم با عملی که Poncelet انجام داد این است که: قوم یهود با اینکار کمبودی که در خودشان داشتند را بشناسند. ترد کردن حس گناهکار بودن Poncelet و ما انسان‌ها بسیار رایج می‌باشد به صورتی که ما با انداختن گناه خودمان به گردن دیگری حس ازاد بودن بدست می‌آوریم. احساس گناه کار بودن در این انسان‌های بسیار ضعیف می‌باشد. در میان انسان‌ها حس پذیرفته شدن یکی از بزرگترین ترس‌های بشر می‌باشد. آنها از این می‌ترسند که از طرف دیگران مورد حمله شخصیتی قرار بگیرند. برای همین انسان‌ها همیشه سعی می‌کنند که از گناه خودشان سخنی نگویند و همیشه درباره گناه دیگران حرف می‌زنند ولی عیسی می‌آید و این رابطه‌ها را از بین می‌برد و با توجه به اینکه در میان گناهکاران قرار داشت خود را گناهکار اعلام می‌داد. او خودش را فدا می‌کند تا ما راهی برای زندگی کردن پیدا کنیم. در این میان بالاترین نقطه زندگی عیسی که در بین بهشت و دنیا می‌باشد فرا می‌رسد و او می‌گوید: ای پدر چرا من را ترک کردی. او میانجیگر مابین ما انسان‌ها و خدا می‌شود و از خدا می‌خواهد که ما را ببخشد زیرا ما نمی‌دانیم که چه داریم انجام می‌دهیم. و او این را به صراحت می‌گوید که: تو امروز با من در بهشت خواهی بود. به صلیب کشیدن عیسی روز دادگاهی و اعدام او می‌باشد. در آنجا نمایی از یک چهره انسان نمایش داده می‌شود که چطور آن خاموش می‌شود. در صورتی که او بی‌گناه بود. Poncelet اولین کسی نبود که صدای درهای آهنی و صدای کلیدهای زندان را می‌شنید که می‌بایستی او به سوی اعدام برود. ما انسان‌ها هم این صداها را در زندگی خودمان می‌شنویم که چطور به پایان عمر خودمان می‌رسیم. ولی سوال اصلی ما که از زمان ادم و حوا وجود داشته این است که ما چطور بایستی این

راه را برویم و یا در این میان چطور ما طاقت بیاوریم. راهی که گناه خودمان را به گردن دیگری بیاندازیم. بعضی ها شاید از این امر دفاع بکنند. عیسی در مرکز این سوال قرار دارد. ما متوجه می شویم که نباید درباره سیستم قضاوت رای دهندگان سخنی بگوییم و یا درباره گناه هان دیگران نظری بدهیم. ما متوجه می شویم که ما خود انسان ها مورد صحبت کردن قرار می گیریم. و باید در زیر صلیب دادگاهی بشویم. ما همه گناهکار هستیم و به یک میزان تقصیر کار هستیم. ما دیگر نمی توانیم در زیر صلیب دیگران را با انگشت خودمان نشان دهیم. و از انجا فرار کنیم. ما همه گناهکار محسوب می شویم ولی در این میان محبت خدا اشکار می شود. بخشندگی او نمایان می شود و ما را با محبت خودش در اغوش می گیرد. و با بخشندگی خودش در میان ما قرار می گیرد. و او به ما می گوید: تو امروز با من در بهشت خواهی بود. Poncelet در زندان امریکا با این گناه دست و پنجه نرم می کرد. او می توانست این گناه را در آخرین لحظات زندگی خودش رد بکند. او گناه خودش را نمی خواست که بپذیرد. اگر عیسی این دیوارها را نمی شکست و یا اگر او خودش را برای گناهان ما فدا نمی کرد. Poncelet نمی توانست عیسی را ببیند و بعد از شکستن این محدودیت ها بود که او به گناه خودش پی برده بود. ایا ما امروز می ترسیم که از خود عیسی و یا از صلیبش حرف بزنیم؟ دست های او باز شده است و میخی به آن دست ها زده شده است. و برای تمام گناهان ما انسان ها ... و در مرکز قلب عیسی من قرار دارم آمین.